

## بازشناسی موضوع‌های احتجاج کلامی معصومان در کتاب احتجاج طبرسی و تحلیل نقش این احتجاج‌ها در رشد دانش کلام

محمدباقر محمدی لائینی\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۷]

### چکیده

«دین» نیاز به تبیین، دفاع و دعوت دارد، که مرحله اول بر عهده پیامبر اسلام و اهل بیت پاک او(ع) و مرحله بعد بر عهده عالمان دین است و یکی از شیوه‌های آن مناظره است. از معصومان(ع) و عالمان دینی و کلامی مناظره‌های فراوانی نقل شده است که بخشی از تبیین و تفسیرهایی که حضرات معصوم از اصول و مبانی دین ارائه کرده‌اند یا دفاعیاتی که از آن داشته‌اند، ضمن همین مناظره‌های کلامی آمده است. پس برای ما مهم است که با این مناظرات آشنا شویم و خصوصاً بدانیم شباهت آن زمان‌ها در چه موضوعات و زمینه‌هایی بوده است و اینکه امامان ما چگونه از آنها بحث کرده و به آنها پاسخ داده‌اند. این مقاله بر آن است که با نگاهی به احتجاج‌های کلامی معصومان، گزارشی از موضوعات مطرح شده در این احتجاج‌ها که در کتاب احتجاج طبرسی آمده است، ارائه کند و نقش این احتجاج‌ها در رشد دانش کلام را تحلیل نماید. گرچه مطالعه و تحقیق درباره احتجاج‌های معصومان(ع) از پیشینه قابل ملاحظه برخوردار است، تحقیقی با هدف گزارش موضوعات مطرح شده در احتجاج‌های کلامی معصومان و تحلیل رشد دانش کلام بر اساس آنها سابقه ندارد.

کلیدواژه‌ها: موضوعات احتجاج‌های کلامی، معصومان، احتجاج طبرسی، رشد علم کلام.

### مقدمه

«دین» برنامه زندگی مبتنی بر اصول اعتقادی (طباطبایی، ۱۳۹۸: ۴) و مجموعه‌ای است از احکام، اخلاقیات و اعتقادات که از جانب خداوند برای هدایت بشر فرستاده شده و نیاز به تبیین، دفاع و دعوت دارد. باید از اصول اعتقادی آن تبیینی معقول و مقبول ارائه کرد و در برابر شبهات دفاع احسن انجام داد و مردم را به آن دعوت کرد. «دفاع» قانونی عام و یک اصل حیاتی است. هیچ موجودی و هیچ جریان و مکتب و فکری بدون دفاع از خود قادر به دوام و بقا نیست، به‌ویژه اگر با تهدیدها و دشمنان فراوان و فزاینده مواجه باشد که ضرورت دفاع مضاعف می‌شود. دین اسلام با دشمنان آگاهی که با القای شبهات، اصول آن را مورد شک و تردید قرار می‌دهند و دوستان ناآگاهی که به علت ضعف دانش دینی و عقل سلیم، بدعت و خرافات را وارد حوزه دین می‌سازند یا با تبیین ناقص و سطحی اصول و معارف دین، کار دفاع از دین را مشکل می‌کنند، مواجه است و از برون و درون در معرض تهدیدها و آفت‌های جدی قرار دارد؛ بنابراین تبیین صحیح و بدون پیرایه اصول و مبانی دین و دفاع از آن، مسئله‌ای ضروری و لازم است. علمی که اصول و مبانی دین و نقطه محوری آن یعنی واجب الوجود را تبیین و از آنها در برابر شبهات دفاع می‌کند، «علم کلام» است (مطهری، ۱۳۷۸: ۹). رسالت تبیین دین، دعوت به دین و دفاع از دین در مرحله اول بر عهده شخص پیامبر اسلام و اهل بیت پاک او (ع) است که آگاهی کامل و علم خدادادی و بی‌خطا در مورد دین دارند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ: با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است و او به هدایت‌یافتگان داناتر است» (نحل، ۱۲۵). این وظیفه در مرحله بعد، بر عهده عالمان دین و پرورش‌یافتگان مکتب اهل بیت است که در حوزه تعالیم دین صاحب اندیشه و نظرند. آنان باید با دستمایه‌ای از تعالیم اهل بیت دین را تبیین، تعلیم و تبلیغ کنند و از آن در مقابل القای شبهات و هجمه‌های فرهنگی، علمی و ذهنی با قلم - در قالب تألیف - و زبان - مناظره و احتجاج - دفاع قوی کنند؛ بر این اساس صدها کتاب به قلم

اندیشمندان دینی در تبیین اصول و معارف دینی و رد شبهات، تدوین شده است و مناظره‌هایی نیز با دیگر علمای فرق و مذاهب به صورت حقیقی<sup>۱</sup> یا تدوینی<sup>۲</sup> یا فرضی<sup>۳</sup> انجام شده است.

بر اساس حدیث ثقلین (قمی، ۱۴۱۶: ۱۳۲)، معصومان هادیان راستین و حاملان واقعی علوم و معارف دینی‌اند و بیان و کلام آنان برگرفته از وحی و بیانگر حقایق ناب است؛ بر این اساس تأمل در بیان و کلام آنان بهترین راه دستیابی به معرفت دینی و تبیین و دفاع از اصول و مبانی دین است؛ یعنی همان چیزی که علم کلام به دنبال آن است.

بخشی از تبیین و تفسیرهایی که معصومان(ع) از اصول و معارف دین ارائه کرده‌اند یا دفاعیاتی که از آنها به عمل آورده‌اند، ضمن مناظره‌ها و احتجاج‌های کلامی آمده است که با پرسش‌کنندگان و علمای دیگر ادیان و مذاهب انجام شده است. این مناظره‌ها و احتجاج‌ها در کتاب‌های حدیثی و تاریخی از جمله کتاب *احتجاج طبرسی* گزارش شده است. از سویی برای ما مهم است که بدانیم امامان ما در دفاعیات کلامی خود، چه موضوعاتی را بیشتر مطرح و چگونه از آنها بحث کرده‌اند و اینکه گره فکری و شبهات آن زمان چه بوده است. این مقاله بر آن است با نگاهی به احتجاج‌های کلامی معصومان که در کتاب *احتجاج طبرسی* آمده، گزارش و تحلیلی از موضوعات مطرح‌شده در این احتجاج‌ها و نقش این احتجاج‌ها در رشد دانش کلام ارائه کند.

آگاهی از موضوعات مورد بحث در مناظرات و احتجاجات معصومان از آن جهت اهمیت دارد که اولاً نشان‌دهنده آن است که مسئله جدی و نقطه ابهام علمای آن زمان در مورد مبانی دین اسلام و مکتب اهل بیت چه بوده است؛ ثانیاً فراوانی هر کدام از آنها و میزان تأکید و تکراری که بر آنها شده، نشان‌دهنده اهمیت آنها است. ثالثاً این بررسی، حساسیت مخالفان در مورد هر کدام از این مباحث و علت این حساسیت را نشان می‌دهد و رابعاً بیان صائب و چگونگی تبیین و دفاع صحیح از این اصول و مبانی را آموزش می‌دهد. در هر حال اینکه ما بدانیم در احتجاج‌های کلامی معصومان(ع) با صاحبان ادیان و مذاهب چه خبر است، چه موضوعاتی با چه فراوانی مطرح شده و چگونه تبیین و از آنها دفاع شده و اینکه اینها در رشد و بالندگی دانش کلام چه مقدار تأثیرگذار بوده است، خود یک معرفت مفید و دستاورد مهم کلامی

است که در رشد و بالندگی علم کلام مؤثر است و از این رهگذر تحقیق حاضر ضرورت می‌یابد.

مطالعه و تحقیق درباره احتجاج‌های معصومان(ع) در گذشته و خصوصاً در این اواخر فراوان انجام شده است و پیشینه این بحث، طولانی و قابل ملاحظه است. از میان کتاب‌ها: *الإحتجاج* معروف به *احتجاج طبرسی* (طبرسی، ۱۳۷۸)، *مناظرات فی العقائد و الأحکام* (الحسن، ۱۳۸۵)، *مبانی و روش اندیشه امام صادق(ع)* (پاکتچی، ۱۳۹۱: فصل ۱۱)، *شیوه مناظرات انبیاء و امام صادق علیهم‌السلام(ع)* (حسینی میرصفی، ۱۳۹۰)، *مناظراتُ المُستَبصرین* (الحسن، ۱۴۲۷: در این کتاب ۴۸ مناظره گردآوری شده است)، *سیره پیشوایان* (پیشوایی، ۱۳۷۲)، *بحار الأنوار* (جلد ۹ و ۱۰) و مانند آن.<sup>۴</sup> نمونه پایان‌نامه‌ها: *احتجاجات ائمه معصومین در مسئله توحید* (شهبازی، ۱۳۷۹)، *بررسی استشهاد به آیات در احتجاجات معصومین(ع)* (اهوراک، ۱۳۹۲). همایشی نیز با عنوان «همایش ملی علمی و پژوهشی مناظرات رضوی» از سری برنامه‌های سیزدهمین جشنواره بین‌المللی فرهنگی و هنری امام رضا(ع) برگزار شده که چکیده مقالات این همایش تحت عنوان «تمنای وصال» منتشر شده است. نمونه مقالات: «نگاهی ادبی به استشادات غیرمستقیم ائمه به قرآن» (نیل‌ساز و اهوراک، ۱۳۹۲)، «بررسی شیوه مناظرات انبیا و امام حسن(ع)» (حسینی میرصفی، ۱۳۸۷)، «بررسی شیوه مناظرات و گفتگوهای انبیا و امام حسین(ع) با مخاطبانشان» (همو، ۱۳۸۸)، «شیوه مناظرات امام سجاد(ع)» (همو، ۱۳۸۹)، «روش‌شناسی مناظرات امام هشتم(ع)» (خطیبی، ۱۳۸۷)، «مناظرات تاریخی امام رضا با پیروان مذاهب دیگر» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶)، «نگاهی بر شیوه مناظره امام رضا(ع) با بزرگان ادیان» (صادقیان، ۱۳۸۸)، «شیوه مناظرات امام جواد» (علمایی، ۱۳۹۵). اما با همه این زحمات، تحقیقی با هدف کشف و شناسایی موضوعاتی که در احتجاج‌های معصومان(ع) مطرح شده و هدف پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد، سابقه ندارد.

### مفهوم‌شناسی

لازم است در آغاز تعریفی از علم کلام و احتجاج ارائه و کتاب *احتجاج طبرسی* به صورت اجمالی معرفی شود:

**علم کلام:** علمی است که متضمن بیان دلایل و حجج عقلی در باب عقاید ایمانی و رد بر مبتدعان و اهل کفر و ضلالت است (فرهنگ معین، ج ۳، ص ۳۰۱۸). در تعریفی دیگر آمده است: و بالجمله گفتگو در اصول توحید و سایر معارف دینیه... و فن حاصل از این گفتگو را مسمی به علم کلام گردانیدند (لاهیجی، ۱۳۷۲: ۴۶). و بعضاً آن را به کلام قدما و کلام متأخرین تقسیم کرده‌اند (لاهیجی، ۱۳۷۲: ۴۲).

**احتجاج:** حجت بالضم کلام مستقیم و برهان .... احتجاج خصومت کردن و حجت آوردن.... محاجه و حجاج حجت آوردن و خصومت کردن معنا شده است (صفی‌پور، ۱۳۷۷: ۲۲۳/۲). حجت به معنای دلیل و احتجاج از باب افتعال به معنی اقامه حجت بر مدعا است. سبب نامگذاری آن به حجت این است که از ریشه «حج، تحج» به معنای قصد گرفته شده است. احتجاج ممکن است دوطرفه یا یک‌طرفه باشد برخلاف مناظره که دوطرفه است؛ البته واژه‌گانی مانند مناظره، محاوره و مجادله عناوینی هستند که انسان‌ها برای تبادل افکار و اثبات اندیشه‌های خود در طول تاریخ به کار می‌بردند و این شیوه از گفتگو در بین ادیان و فرهنگ‌ها بیشتر متداول بوده است (عاملی، ۱۳۸۰: ۸-۱۰).

**احتجاج طبرسی:** کتابی است کلامی از نیمه اول قرن ششم هجری قمری، به زبان عربی. این کتاب از کتاب‌های معتبر شیعه و به کثرت فوائد، موصوف است. نویسنده آن، ابومنصور شیخ احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی از محدثان موثق و علمای بزرگ نیمه اول قرن ششم هجری قمری است. این کتاب، محاجات و مناظرات پیغمبر اسلام و ائمه شیعه و استدلال‌های برخی از اصحاب ائمه در برابر مخالفان و افراد مختلف و پیروان ادیان غیراسلامی، در مورد اصول و فروع دین اسلام و مذهب شیعه اثنی عشری است. همچنین برخی از مکاتبات امام زمان که در زمان غیبت صغری از طریق نواب ایشان انجام شده و نیز توقیعاتی از ناحیه مقدسه به بعضی از علما، در قسمت آخر کتاب درج شده است. نام دیگر کتاب احتجاج «الاحتجاج علی اهل اللجاج» است که ظاهراً ساخته دیگران است و در خطبه مؤلف نیامده است (ویکی‌پدیا، الإحتجاج).

## مباحث محتوایی

احتجاج‌هایی که پیامبر بزرگوار اسلام(ص) با یهودیان و مسیحیان داشت، درباره اثبات توحید، نفی شرک، نفی فرزند‌ی عزیز و مسیح برای خدا، اثبات نبوت خود، جواز نسخ شرایع، تحویل قبله، بی‌گناهی جبرئیل و افضلیت حضرتش بر انبیای دیگر بوده است. احتجاج‌های حضرت فاطمه(س) درباره غصب فدک و غصب حکومت، اثبات ارث فرزندان پیامبران از آنان مانند دیگر مردم بوده است.

در احتجاج‌های حضرت علی(ع) موضوعات فراوانی مطرح شده است. ایشان بر احقیقت و اولویت خویش و بر امامتش احتجاج فرموده است. حضرت همچنین در مقابل ناکثان درباره لزوم وفای به عهد احتجاج کرده است. بعضی احتجاج‌های حضرت (طبرسی، ۱۳۷۸: احتجاج‌های ۸۴ و ۸۵) برای رفع شبهه و تردید دوستانش در مورد حضرت است. آنان وقتی می‌دیدند طرف مقابلشان مانند خودشان مسلمان و اهل قبله و نماز است، برایشان این شبهه و سؤال مطرح می‌شد که آیا ما بر حق هستیم یا جبهه مقابل. کسانی هم بودند که دعوت به بی‌طرفی و عدم مداخله در جنگ، نه به نفع علی و نه به نفع اصحاب جمل می‌کردند، مانند حسن بصری. حضرت در مقابل این منطق و این نوع نگاه احتجاج فرمودند (همان: ۴۰۱/۱-۴۰۴). بخشی از احتجاج‌های حضرت در جواب نامه‌های معاویه و در رد اتهام‌های او و نیز اثبات فضیلت خود بود. امام در مقابل خوارج و در رد شبهات آنان در مورد خود نیز احتجاج فرمود (همان: ۴۴۲/۱). ایشان گاه در برابر این سؤال که چرا آن حضرت در برابر خلیفه اول و دوم سکوت کرد و اقدام به جنگ نکرد، احتجاج کرد (همان: ۴۴۷/۱). امام همچنین احتجاج‌هایی در توصیف و تنزیه خداوند (همان: ۴۷۳/۱-۴۸۴) قضا و قدر (همان: ۴۸۹/۱-۴۹۲) و خداشناسی (همان: ۴۹۴/۲-۴۹۶) داشت. دیگر احتجاج حضرت، احتجاج با عالمی از یهودیان است که بر کتاب‌های انبیای گذشته آگاه بود. آن عالم یهودی یکی‌یکی فضیلت هر یک از پیامبران را برمی‌شمرد و می‌پرسید که آیا پیامبر اسلام چنین فضیلتی داشت. حضرت اثبات می‌کند پیامبر اسلام(ص) بهتر از آن را داشت (همان: ۴۹۷/۱-۵۳۷). امامان معصوم هم موضوع احتجاج‌های دیگران حضرت است (همان: ۵۳۷/۱ و ۵۴۰). احتجاج‌هایی در مقام و منزلت ابوطالب (همان: ۵۴۹/۱)، قدرت نقض طب یونانی و ارائه معجزات (همان:

۵۴۷/۱، ابطال نجوم و ارائه معجزات (همان: ۵۵۸/۱)، تفسیر صحیح آیاتی از قرآن که ظاهراً متناقض‌اند (همان: ۵۶۱/۱)، تفسیر آیات و بیان فضایل بعضی صحابه (همان: ۶۱۳/۱)، مذمت اختلاف در فتوا و حکم به سبب عدم اهلیت (همان: ۶۲۰/۱)، پیروی از اهل بیت که جامع همه علوم‌اند (همان: ۶۲۴/۱)، تبعیت از اوصیای پیامبران و وصی پیامبر اسلام (ص) (همان: ۶۲۵/۱)، توصیف بخشی از اصلاحاتی که در دوران حکومت امام انجام شد (همان: ۶۲۷/۱)، گلایه از تبعیت نکردن مردم از ایشان برای اصلاح بعضی بدعت‌ها (همان: ۶۲۸/۱) و توضیح علت اختلاف تفاسیر (همان: ۶۲۹/۱) از دیگر موضوعات احتجاج‌های امام است.

امام حسن مجتبی (ع) در رد اتهامات و توهین‌های معاویه و یاران نزدیک او در یک جلسه، نکاتی درباره ویژگی شخصیت آنان مطرح می‌کند و ضمناً روشن می‌شود یاران صمیمی و نزدیک معاویه که مشاوران عالی‌رتبه او و تصمیم‌سازان تصمیمات او بودند، چه کسانی بودند (طبرسی، ۱۳۷۸: ۱۷/۲-۲۳). احتجاج‌های دیگر حضرت در زمینه‌های اثبات فضایل امام علی (ع) و نفی اتهام قتل عثمان از ایشان (همان: ۱۷/۲-۴۴)، در برابر سبّ علی (ع) توسط معاویه در مدینه و کوفه و اثبات فضیلت آن حضرت (همان: ۵۳/۲ و ۵۴)، اثبات امامت و ولایت و خلافت علی (ع) و اهل بیت (ع) (همان: ۶۱/۲-۶۵) برای احقیّت خود برای امامت و اینکه صلح او با دستور خدا بوده و درست است (همان: ۶۶/۲-۷۲).

امام حسین (ع) در برابر عمر درباره اثبات امامت احتجاج کرده است (همان: ۷۷/۲-۸۰)؛ همچنین در برابر دستور معاویه به لعن علی و قتل شیعیانش، به اثبات مناقب و فضایل آن حضرت و اولادش (همان: ۸۰/۲) و توییح بر قتل شیعیان (همان: ۸۸/۲-۹۷) احتجاج می‌کند.

امام سجاد (ع) احتجاج‌هایی درباره این موضوعات دارد: در برابر اهل کوفه و برای توییح آنان به نقض عهد (همان: ۱۱۷/۲-۱۱۹) در استنکار قتل امام حسین (ع) و سرزنش قاتلان در مقابل مردم شام (همان: ۱۲۰/۲-۱۳۵)، اینکه گناه قاتلان فرزندان پیامبر (ص) بزرگ‌تر از گناه مسخ‌شدگان بنی اسرائیل است (همان: ۱۳۶/۲)، تفسیر آیه قرآن و اینکه مقصود از «قریّ ظاهره» ائمه (ع) هستند (همان: ۱۳۹/۲)، واعظ باید متعظ باشد (همان:

۱۴۰/۲)، برای اثبات امامت خود برای محمد حنیفه (همان: ۱۴۷/۲) اثبات اینکه خدا دوستش دارد به این دلیل که دعایش را اجابت می‌کند (همان: ۱۴۹/۲)، امامت خود و امامت ائمه (ع) (همان: ۱۵۱/۲-۱۵۴)، گمراهی از دین محمد و ولایت علی (ع) مهم‌تر از قتل است (همان: ۱۵۵/۲)، اهمیت ایمان و ولایت (همان: ۱۵۶/۲)، اهمیت پیروی از رضای الهی نه صرف ترک بعضی لذت‌ها یا حتی داشتن عقل و... (همان: ۱۵۹/۲-۱۶۲).

امام باقر (ع) در احتجاج‌های خود این موارد را بیان فرموده است: خداشناسی (عجز عقل از درک حقیقت خداوند، ازلی بودن واجب‌الوجود)، وجوب اطاعت امام، مردم در قیامت چه می‌خورند و چه می‌آشامند؟ (طبرسی، ۱۳۷۸: ۱۷۳/۲)، جواز حکمیت و رد بر خوارج در این مورد (همان: ۱۷۴/۲-۱۷۵)، حسنین (ع) فرزندان رسول خدا (ص) هستند (همان: ۱۷۵/۲-۱۷۶)، پرسش‌هایی از بعضی آیات قرآن، خوراک مردم در قیامت، خطر تفسیر قرآن به غیر علم، تفسیر صحیح «قری‌ظاهرة» (همان: ۱۷۷/۲-۱۸۴)، درباره حضرت علی (ع) که او پاک زیست نه بدعتگذار بود و نه... (همان: ۱۸۵/۲)، مظلومیت امام علی (ع) (همان: ۱۹۲/۲).

امام صادق (ع) احتجاج‌هایی درباره موضوعات زیر دارد: خداشناسی و اثبات وجود خداوند، امامت، افضلیت حضرت علی (ع)، غیبت امام زمان (ع)، رد زید و زیدیه، رد قیاس و تفسیر به رأی قرآن و دین، انکار بر معتزله که دنبال امامی غیر از اهل بیت بودند، منع از تحاکم به طاغوت، تفسیر بعضی آیات قرآن، لزوم تمسک به قضاوت علی (ع)، اثبات صحت «إن الله لیغضب لغضب فاطمه (س)»، لزوم وجود حجت در میان خلق و... .

امام کاظم (ع) برای خداشناسی، اثبات اینکه عباس عموی پیامبر (ص) به دو جهت از پیامبر (ص) ارث نمی‌برد، ائمه (ع) فرزندان پیامبرند، احکام دین و نفی قیاس در دین، عدم سوء ظن و امکان رهایی از حق‌الناس با اهدای عبادات و دیگر مباحث احتجاج‌هایی دارد.

در احتجاج‌های امام رضا (ع) با علمای ادیان و مذاهب این موضوعات مطرح شده است: حدوث عالم، خداشناسی، توحید، اثبات حقانیت نبوت پیامبر اسلام (ص)، نفی منطوق علمای ادیان و مذاهب و رد الوهیت عیسی. در احتجاجات دیگر آن حضرت امامت



و صفات امام، مذمت غالیان در امامت، امر شیعه به توریه و تقیه بهنگام و ادب نیک، ملامت شیعه که مدعی‌اند شیعه هستند، اما مخالفت عملی با دستورهای امامان می‌کنند.

امام جواد(ع)، احتجاج‌هایی درباره این موضوعات دارد: خداشناسی، صید محرم، نقد فضایل ابوبکر با استشهاد به قرآن، معرفی مهدی قائم(عج).

امام هادی(ع) در احتجاج‌هایش این موضوعات را تعقیب کرده است: توحید و خداشناسی، جبر و تفویض، منطبق بودن حدیث ثقلین با قرآن و لزوم عمل به آن، نقد جبر و تفویض، تعیین مقدار مال کثیر، اهمیت علم کلام و شرافت متکلم مدافع اهل بیت (طبرسی، ۱۳۷۸: ۵۰۱/۲)، شرافت علمای مدافع از دین و ایمان و عقاید که مانع از گمراهی ضعفا از مردم در زمان غیبت‌اند.

در احتجاج‌های امام عسکری(ع) این موارد آمده است: تفسیر بعضی آیات قرآن، بیان خیانتی از علمای یهود در حق پیامبر اسلام(ص)، عالمان و فقیهانی که نمی‌شود از آنان تقلید و پیروی کرد و آنان که می‌شود از آنان تقلید کرد، خطر علمای سوء بیشتر از لشکر یزید نسبت به امام حسین(ع) است، توصیف اشرار علما، تنزیه ملائکه، مدح و ثواب تقیه، شناخت و ادای حقوق اخوان و تواضع در برابر آنان که از نشانه‌های شیعه راستین است، احترام بیشتر به پدر آن‌گاه که با پسرش باشد که از نشانه‌های شیعه حقیقی است.

امام عصر(عج) در این موضوعات احتجاج کرده است: امتناع از گرفتن اموال ناپاک و هدایای پلید، توضیح اینکه پیامبر(ص) طلاق همسرانش را در اختیار علی(ع) قرار داده است، تأویل بعضی آیات، علت انتخابی نبودن امام(ع)، دفع شک در جانشینی از امام عسکری(ع)، رد ادعای جعفر مبنی بر جانشینی او از امام عسکری(ع)، فلسفه خمس، نیابت عامه راویان حدیث، نقش ائمه(ع) در خلق و رزق (اختیار خلق و رزق به آنان تفویض شد است)، چرا خداوند دشمنانش (قاتلان حسین ع) را بر ولی‌اش (امام حسین) مسلط کرد؟ رد مدعیان بابت و نیابت از حضرت حجت(عج)، مسائل فقهی و احکام، عقوبت اکل مال امام(ع) و نپرداختن آن، زیارت آل یاسین و دعای بعد از آن، اطلاع حضرت از احوال شیعیان و توجه به آنان، اعتصام به تقیه، عامل حفظ از فتنه در ایام غیبت، عامل تعجیل ظهور و عامل تأخیر ظهور.

یافته‌های گفته‌شده در جدولی که در ادامه می‌آید، ارائه شده است.

## بحث و بررسی

### الف) موضوعات احتجاج‌ها

با مطالعه احتجاج‌های موجود در کتاب *احتجاج طبرسی* مشخص می‌شود ده‌ها موضوع قرآنی، اعتقادی، کلامی، فقهی، اجتماعی و مانند آن در این احتجاج‌ها مورد توجه و گفتگو واقع شده است؛ اما موضوع امامت (اعم از امامت، اهمیت ایمان و ولایت، صفات امام، انتخابی نبودن امام، لزوم وجود حجت میان خلق، وجوب اطاعت امام، حدیث ثقلین، نقش ائمه در خلق و رزق، فضیلت و مظلومیت علی(ع)، رد اتهام دشمنان به آن حضرت، غصب خلافت، امان فرزندان پیامبرند، اهمیت علم کلام و شرافت متکلم مدافع اهل بیت، حضرت مهدی(عج) و مانند آن) در مواجهه با مخاطبان درون‌دینی که در احتجاج و گفتگوی یازده تن از معصومان مطرح شده است و موضوع خداشناسی (اعم از اثبات وجود خدا، نفی شرک، نفی الوهیت و فرزندگی عیسی برای خدا و مانند آن) که در مواجهه با مخاطبان برون‌دینی و در احتجاج ده تن از معصومان مطرح شده است، فراوانی بیشتری دارند؛ بدین ترتیب می‌توان گفت این دو موضوع مسئله مهم‌تری برای مخاطبان درون‌دینی و برون‌دینی در تاریخ اسلام بوده‌اند و کلام اسلامی و شیعی بیشتر به این سمت سوق یافته و در این زمینه رشد و پویایی بیشتری یافته است.

### ب) رشد دانش کلام

تبلیغ دین و مبارزه با شبهات باید به‌روز باشد. به‌روزی بودن یک شبهه و مسئله را از سؤال مخاطب می‌توان فهمید و بهتر از آن، مناظره است؛ چراکه سؤال غالباً به سبب یک ابهام است که در ذهن مخاطب وجود دارد، پیش از آنکه باور و نهادینه شود؛ اما وقتی بر سر مطلبی مناظره می‌شود، یعنی آن مطلب برای مخاطب باور و نهادینه شده است که از آن دفاع و بر سر آن مناظره می‌کند. با این توضیح روش مناظره و احتجاج از آن جهت که به‌روز و متوجه آسیب‌ها و شبهات مبتلابه است، می‌تواند مفیدتر و در رشد دانش کلام مؤثرتر باشد. یهودیان و مسیحیان با حضور در جامعه اسلامی سعی در ترویج عقاید و باورهای خرافی خود می‌کردند. پیشروی‌های مسلمانان در شهرهایی که دارای دین و

باورها و نظام‌های فکری و فلسفی خاصی بودند و به تعبیری، فرهنگ ملت‌ها و اعتقادات ادیان و مذاهب غیراسلامی، موجب پدیدآمدن پرسش‌ها و شبهاتی در نظام فکری و عقیدتی اسلام شد. رسوبات فرهنگ عرب جاهلی هم زمینه دیگری برای بحث و جدال‌ها بود. از نگاه آیت‌الله سبحانی اگرچه مردم جزیره‌العرب اسلام را پذیرفتند و بدان گردن نهادند، ریشه‌های افکار جاهلی که نسل به نسل بدان عقیده داشتند، در ذهن‌هاشان باقی مانده بود؛ چراکه اندیشه‌ای که در ذهن رسوخ کرده باشد، با گذشت یکی دو سال از بین نمی‌رود. افزون بر اینکه دشمنان اسلام نیز هر از چند گاهی و به کمترین مناسبتی آن افکار را مطرح می‌کردند (لطیفی، ۱۳۸۵). در چنین فضای آکنده از شبهات و اندیشه‌های انحرافی بود که امامان معصوم هرچند از رهبری حکومت محروم شده بودند، با جهاد و تلاش مستمر - از جمله در همین احتجاج‌ها - به اصلاح اندیشه‌های باطل پرداختند و با مسائلی مانند تجسیم و تشبیه، جبر و تفویض، اندیشه‌ی رؤیت خدا، مذهب غلو و مانند آن مبارزه کردند و دیدگاه «امر بین الامرین»، عصمت انبیا، قضا و قدر الهی، حدوث و قدم کلام الهی و مباحث این‌چنینی را تفسیر و تبیین کردند. همین امر زمینه مناسبی برای رشد کلام اسلامی در دفاع مستدل و برهانی از عقاید دینی شد (جبرئیلی، ۱۳۸۴).

اهمیت این امر زمانی بیشتر می‌شود که توجه کنیم در صدر اسلام برخی با انگیزه‌های سیاسی و شخصی، امت اسلامی را از ثبت احادیث پیامبر باز داشتند. این ممانعت تا مدت‌ها ادامه یافت، به گونه‌ای که جامعه اسلامی از احادیث پیامبر محروم ماند. اما در این میان ائمه، سخنان رسول‌الله و اندیشه ناب و حیانی را در همه زمینه‌ها و از جمله در زمینه عقاید و کلام به دست امت اسلامی رساندند. مثل تشویق‌هایی که از جانب معصومان در مورد کلام و تجلیل و تربیت متکلم مدافع اهل بیت به عمل آمده است. نمونه آن هشام بن حکم است که امام صادق(ع) درباره او فرمود: «یاری‌کننده ما با قلب، زبان و دستش» (مفید، بی‌تا: ۲۷۸). شیخ طوسی می‌نویسد: «او کسی است که در مسئله امامت، آنچه شایسته بود، گفت و راه احتجاج را در آن آسان ساخت. در دانش کلام ماهر و حاضر جواب بود» (طوسی، ۱۳۵۶: ۱۷۵).

این تربیت، تشویق و تجلیل متکلم در رشد و توسعه کلام اسلامی فوق‌العاده تأثیر داشت؛ چنان‌که تربیت، تشویق و تجلیل فقیهانی همچون زراره در رشد و توسعه فقه اسلامی مؤثر بود. پس هم احتجاج‌های معصومان(ع) و هم تربیت، تشویق و تجلیل متکلم به دست آن حضرات در توجه علما و اندیشمندان به علم کلام و طریقه احتجاج و مناظره و در نتیجه رشد و بالندگی این علم مؤثر بود. شهید مطهری پس از بیان تجلیل امام صادق(ع) از هشام می‌نویسد: «بدیهی است که این‌گونه رفتارهای ائمه اطهار تأثیر بسزایی در ترویج علم کلام داشته و در اینکه عقل شیعی از ابتدا عقل کلامی و فلسفی گردد» (مطهری، ۱۳۷۸: ۵۶۲).

تا زمان امام رضا(ع) بیشتر با شیوه نقلی و در برخی موارد با شیوه عقلی مواجهیم؛ اما در زمان آن حضرت، با توجه به فراوانی مناظرات و بحث‌ها و گفتگوها، بحث‌ها با تفصیل بیشتر و شکل عقلی‌تری از جانب ایشان ارائه می‌شد و امام(ع)، معارف عقلی و نقلی زیادی را در باب اعتقادات مطرح می‌کرد که در کتاب‌های گوناگون روایی آمده است و در ضمن آن احادیث، بحث‌های عقلی فراوانی با استناد به آیات قرآن به چشم می‌خورد.

استناد و استشهاد فراوان به قرآن در سخنان امام رضا(ع) به این دلیل بوده است که این کار هم سخن امام(ع) را مستدل و محکم می‌کند و راه خلدشه بر آن را می‌بندد، به ویژه برای آنان که درباره امام رضا(ع) معرفت و شناخت لازم نداشتند و هم روش‌های بهره‌گیری از قرآن کریم را به دیگران می‌آموزاند که چگونه با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم به پرسش‌های خود و دیگران پاسخ گویند. امام رضا(ع) به تعلیم روش گفتگو و چگونگی بهره‌گیری از قرآن کریم پرداخته است و در بیشتر ابواب حدیثی آن حضرت می‌توان چگونگی گفتگو و احتجاج و نیز کاربرد صحیح ادله عقلی و نقلی را مشاهده کرد (هادیان، ۱۳۹۴: ۱۳۸-۱۶۵).

چه بسا اگر این محاجه‌ها از معصومان(ع) نبود، احتجاج و گفتگوهای کلامی که عمده دفاعیات کلام اسلامی و شیعی است، حتی به دست شیعیان و به بهانه نهمی از جدال و مراء ترک می‌شد. علامه طبرسی در مقدمه کتاب احتجاج و درباره انگیزه تألیف آن چنین بیان می‌کند: «آنچه مرا بر تألیف این کتاب واداشت این بود که دیدم جماعتی

از عالمان از راه و روش احتجاج و جدال، هرچند حق باشد، عدول کردند و گفتند پیامبر و امامان هرگز جدال نکردند و به شیعه اجازه این کار را ندادند، بلکه از آن نهی نموده و بر آن ایراد گرفتند پس بر آن شدم تا کتابی تألیف کنم که پاره‌ای از احتجاج‌های آنها را در فروع و اصول در بر داشته باشد و معلوم شود که آنها افراد ضعیف و ناتوان را از محاجه منع کردند، نه کسانی را که توان غلبه بر خصم را دارند که آنها مأمور به احتجاج و مناظره بودند» (طبرسی، ۱۳۷۸: ۷/۱). بدین ترتیب مشخص می‌شود مطالعه و تحقیق احتجاجات معصومان نه تنها ما را با موضوعات این احتجاجات و کم و کیف آنها آشنا می‌سازد که در راستای ترویج، رشد و بالندگی علم کلام و جلوگیری از ضعیف و مهجورماندن آن نیز تأثیر بسزایی دارد.

### نتیجه‌گیری

«دین» نیاز به تبیین، دفاع و دعوت دارد. علمی که اصول و مبانی دین و نقطه محوری آن یعنی واجب‌الوجود را تبیین و از آنها در برابر شبهات دفاع می‌کند، «علم کلام» است. تبیین دین دعوت به دین و دفاع از دین در مرحله اول بر عهده شخص پیامبر اسلام و اهل بیت پاک او (ع) است و در مرحله بعد بر عهده عالمان دین. بخشی از تبیین و تفسیرهایی که معصومان(ع) از اصول و معارف دین ارائه کرده‌اند یا دفاعیاتی که از آنها به عمل آورده‌اند، ضمن مناظره‌ها و احتجاج‌های کلامی است که با پرسش‌کنندگان و علمای ادیان و مذاهب انجام شده و در کتاب‌های حدیثی و تاریخی از جمله کتاب احتجاج طبرسی آمده است. ده‌ها کتاب، پایان‌نامه، همایش و مناظره در پیشینه این موضوع موجود است؛ اما تحقیقی با هدف گزارش موضوعات احتجاج‌های معصومان(ع) انجام نشده است؛ در صورتی که آگاهی از موضوعات مورد بحث در مناظرات و احتجاجات معصومان مهم است؛ زیرا اولاً نشان‌دهنده آن است که مسئله جدی و نقطه ابهام علمای آن زمان در مورد مبانی دین اسلام و مکتب اهل بیت چه بوده است و ثانیاً فراوانی هر کدام از آنها و میزان تأکید و تکراری که از آنها شده، نشان‌دهنده اهمیت آنها است. ثالثاً حساسیت مخالفان در مورد هر کدام از این مبانی و معارف و علت این حساسیت را نشان می‌دهد. رابعاً بیان صائب و چگونگی تبیین و

دفاع صحیح از این اصول و مبانی به دست می‌آید. در هر حال اینکه ما بدانیم در احتجاج‌های کلامی معصومان(ع) با صاحبان ادیان و مذاهب چه موضوعاتی با چه فراوانی مطرح شده و چگونه تبیین و از آنها دفاع شده است و اینکه اینها در رشد و بالندگی دانش کلام چه مقدار تأثیرگذار بوده‌اند، خود یک معرفت مفید و دستاورد مهم کلامی است که به نوبه خود در رشد و بالندگی علم کلام مؤثر است. مطالعه احتجاج‌های موجود در احتجاج طبرسی نشان می‌دهد ده‌ها موضوع قرآنی، اعتقادی، کلامی، فقهی، اجتماعی و مانند آن در این احتجاج‌ها مورد توجه و گفتگو واقع شده است؛ اما موضوع امامت (اعم از امامت، اهمیت ایمان و ولایت، صفات امام، انتخابی نبودن امام، لزوم وجود حجت میان خلق، وجوب اطاعت امام، حدیث ثقلین، نقش ائمه در خلق و رزق، فضیلت و مظلومیت علی، رد اتهام دشمنان به آن حضرت، غصب خلافت، امامان فرزندان پیامبرند، اهمیت علم کلام و شرافت متکلم مدافع اهل بیت، حضرت مهدی و مانند آن) که در مواجهه با مخاطبان درون‌دینی و در احتجاج و گفتگوی یازده تن از معصومان مطرح شده است، فراوانی بیشتری دارد. همچنین موضوع خدانشناسی (اعم از اثبات وجود خدا، نفی شرک، نفی الوهیت و فرزند عیسی برای خدا و مانند آن) که غالباً در مواجهه با مخاطبان برون‌دینی و در احتجاج ده تن از معصومان مطرح شده است، فراوانی بیشتری دارد. بدین ترتیب می‌توان گفت این دو موضوع مسئله مهم‌تری برای مخاطبان درون‌دینی و برون‌دینی در تاریخ اسلام بوده است و کلام اسلامی و شیعی بیشتر به این سمت و سو رفته و در این زمینه رشد و پویایی بیشتری یافته است. دیگر عامل تأثیرگذار بر رشد کلام، تشویق‌هایی است که معصومان در مورد کلام و تجلیل و تربیت متکلم انجام داده‌اند. این رفتار ائمه(ع) در رشد و بالندگی کلام اسلامی فوق‌العاده تأثیر داشته است؛ چنان‌که تربیت، تشویق و تجلیل فقیهانی همچون زراره بر رشد و بالندگی فقه اسلامی مؤثر بوده است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. مثل: شب‌های پیشاور اثر سلطان‌الواعظین، المراجعات اثر علامه شرف‌الدین عاملی، مدافعان حریم تشیع اثر قاسم‌علی کوچنانی، مناظرات مذهبی شیعه از آغاز تا عصر شیخ مفید.

۲. مثل: ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۱۸۴: ترتیب مناظره بین قاضی القضاة و سیدمرتضی؛ همان، ص ۲۱۵-۲۹۵: ترتیب مناظره بین جاحظ و اسکافی پیرامون افضلیت حضرت علی(ع). این مناظره دوم به صورت کتاب مستقلی تحت عنوان مناظره دو عالم اهل سنت پیرامون برتری علی(ع) به قلم حسین طیبیان ترجمه و نگارش شده که چاپ سوم آن را انتشارات وثوق قم در سال ۱۳۹۰ منتشر کرده است.

۳. برای مثال ر.ک: شیخ مفید، الإصحاح فی الإمامه؛ هاشمی‌نژاد، مناظره دکتر و پیر.

۴. ر.ک: فهرستی از آثار در زمینه مناظرات در آدرس زیر یافت می‌شود:

[emamat.ir/component/search/?searchword=%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%B8%D8%B1%D9%87&ordering=newest&searchphrase=all&limitstart=0](http://emamat.ir/component/search/?searchword=%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%B8%D8%B1%D9%87&ordering=newest&searchphrase=all&limitstart=0)

## منابع

- ابن‌ابی‌الحدید (۱۹۵۹م)، شرح نهج البلاغه، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۱)، مبانی و روش اندیشه امام صادق(ع)، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، چ ۱.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۷۲)، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
- جبرئیلی، صفرعلی (۱۳۸۴)، «عوامل و زمینه‌های پیدایی کلام اسلامی»، قبسات، ش ۳۸.
- الحسن، الشیخ عبدالله (۱۴۲۷ق)، مَنَازِرَاتُ الْمُسْتَبْصِرِينَ، قم: [بی‌نا].
- الحسن، عبدالله (۱۳۸۵)، مَنَازِرَاتُ فِي الْعُقَائِدِ وَالْأَحْكَامِ، ج ۴، قم: انتشارات دلیل ما، چ ۲.
- حسینی میرصفی، سیده فاطمه (۱۳۸۷)، «بررسی شیوه مناظرات انبیا و امام حسن(ع)»، مجله بینات، س ۱۵، ش ۴.
- حسینی میرصفی، سیده فاطمه (۱۳۸۸)، «بررسی شیوه مناظرات و گفتگوهای انبیا و امام حسین(ع) با مخاطبان»، مجله بینات، س ۱۶، ش ۴.
- حسینی میرصفی، سیده فاطمه (۱۳۹۰)، شیوه مناظرات انبیا و امام صادق(ع) (مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهما السلام این کتاب را به صورت الکترونیکی برای مخاطبان منتشر کرده است):

<http://www.ghadeer.org/Book/322/49259>.

حسینی میرصفی، معصومه السادات (۱۳۸۹)، «شیوه مناظرات امام سجاد(ع)»، فصلنامه بینات، س ۱۷، ش ۶۸.

خطیبی کوشکک، محمد (۱۳۸۷)، «روش‌شناسی مناظرات امام هشتم(ع)»، پیام، ش ۸۷.

شجاعی فرد، محمد (۱۳۹۱)، مناظره دکتر و شیخ، تهران: امیرکبیر.

شهبازی، حجت (۱۳۷۹)، *احتجاجات ائمه معصومین(ع)* در مسئله توحید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، استاد راهنما: محمد هادی معرفت، ۱۳۷۹، ۱۹۴ص.

شیرازی (سلطان الواعظین)، سلطان العلماء (۱۳۸۸)، *شب‌های پیشاور*، قم: آل طه.  
صادقیان، محمد (۱۳۸۸)، «نگاهی بر شیوه مناظره امام رضا(ع) با بزرگان ادیان»، *مجله مشکواه*، ش ۱۰۲.  
صفی‌پور، علامه عبدالرحیم بن عبدالکریم (۱۳۷۷ق)، *منتهی الارب*، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.  
طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۸ق)، *شیعه در اسلام*، قم: مرکز بررسی‌های اسلامی.  
طبرسی، ابی‌منصور (۱۳۷۸/۱۴۱۶ق)، *الإحتجاج*، قم: اسوه، چ ۲.  
طوسی، محمد بن حسن (۱۳۵۶ق)، *الفهرست*، تصحیح و تحقیق: سیدمحمدصادق بحرالعلوم، نجف: حیدریه.

عاملی، سیدشرف‌الدین (۱۳۸۰)، *مناظرات شیعه و سنی (ترجمه المراجعات)*، ترجمه: سردار کابلی، تهران: نشر سایه.

علمایی، نسبی (۱۳۹۵)، «شیوه مناظرات امام جواد(ع)»، *فصلنامه بینات*، س ۲۳، ش ۳.  
قمی، شیخ عباس (۱۴۱۶ق)، *سفینه البحار*، ج ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.  
کوچنانی، قاسم‌علی (۱۳۸۹)، *مدافعان حریم تشیع*، تهران: نشر همشهری.  
لاهیجی، ملا عبدالرزاق (۱۳۷۲)، *گوهر مراد*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱.

لطیفی، رحیم (۱۳۸۵)، «پرسش‌های کلامی و پاسخ‌های آیت‌الله جعفر سبحانی (دام‌عزه)»، *معارف عقلی*، ش ۳.

مصلی‌پور، عباس و مریم سلیمی (۱۳۹۲)، «اصول مناظره و آزاداندیشی با تکیه بر مناظره‌های امام رضا(ع)»، *فصلنامه (علمی پژوهشی) فرهنگ رضوی*، س ۱، ش ۳.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *آشنایی با علوم اسلامی (کلام-عرفان)*، قم: انتشارات صدرا.  
معین، محمد (۱۳۶۰)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر، چ ۱.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإفصاح فی الإمامه*، قم: کنگره بین‌المللی هزاره شیخ مفید، چ ۲.  
مفید، محمد بن محمد (بی‌تا)، *الإرشاد*، قم: انتشارات مکتبه بصیرتی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸)، *مناظرات تاریخی امام رضا علیه السلام با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چ ۲.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶)، «مناظرات تاریخی امام رضا(ع) با پیروان مذاهب دیگر»، *مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضا*.

نجم‌آبادی، میرزا ابوالفضل (۱۳۹۰)، *ترجمه المراجعات*، قم: مؤسسه آیت‌الله العظمی بروجردی، نشر معارف اهل بیت(ع)، چ ۲.



بازشناسی موضوع‌های احتجاج کلامی معصومان در کتاب / ۲۲۵

نیل‌ساز، نصرت و سمیه اهوراکی (۱۳۹۲)، «نگاهی ادبی به استشهادات غیرمستقیم ائمه به قرآن»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، دوره ۱، ش ۲.

ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد (برخط)

هادیان رسنانی، الهه (۱۳۹۴)، «چگونگی نمود روش‌های گفتمان قرآنی در احتجاجات امام رضا(ع) و تفاوت آن با صناعات خمس در منطق»، فرهنگ رضوی، س ۳، ش ۱۲.

هاشمی‌نژاد، سیدعبدالکریم (۱۳۸۱)، مناظره دکتر و پیر، تهران: نشر شاهد.

جدول گزارش موضوع‌های احتجاج کلامی معصومان در کتاب احتجاج طبرسی

صاحب احتجاج	مخاطب	موضوع مطرح شده در احتجاج
حضرت محمد(ص)	یهودیان و مسیحیان	اثبات توحید، نفی شرک، نفی فرزندی عزیز و مسیح برای خدا، اثبات نبوت خود، جواز نسخ شرایع، تحویل قبله، بی‌گناهی جبرئیل و افضلیت حضرتش بر انبیای دیگر
احتجاج حضرت فاطمه(س)	غاصبان فدک و غاصبان خلافت	غصب فدک و غصب حکومت، اثبات ارث فرزندان پیامبران از آنان
حضرت علی(ع)	ناکثان، دعوت‌کنندگان به بی‌طرفی و عدم مداخله در جنگ نه به نفع علی و نه به نفع اصحاب جمل، معاویه، خوارج، عالم یهودی و ....	احقیق و اولویت خودش، امامت خودش، لزوم وفای به عهد و بیعت، رفع شبهه و تردید دوستانش نسبت به خودش (احتجاج‌های ۸۴ و ۸۵)، نفی تزبی‌طرفی و عدم مداخله در جنگ (ج ۱، ص ۴۰۱ تا ۴۰۴)، رد اتهام‌های معاویه و اثبات فضیلت خود، رد شبهات خوارج در مورد خود (ج ۱، ص ۴۴۲)، علت سکوت و اقدام نکردن به جنگ (ج ۱، ص ۴۴۷)، توصیف و تنزیه خداوند (ج ۱، ص ۴۷۳-۴۸۴)، قضا و قدر، خداشناسی (ج ۲، ص ۴۹۴-۴۹۶)، افضلیت پیامبر اسلام (ج ۱، ص ۴۹۷-۵۳۷)، امامت و امامان معصوم (صص ۵۳۷ و ۵۴۰)، مقام و منزلت ابوطالب (ج ۱، ص ۵۴۹)، قدرت نقض طب یونانی و ارائه معجزات (ج ۱، ص ۵۴۷)، ابطال نجوم و ارائه معجزات (ج ۱، ص ۵۵۸)، تفسیر صحیح آیاتی از قرآن که ظاهراً متناقض‌اند (ج ۱، ص ۵۶۱)، تفسیر آیات و بیان فضایل بعضی صحابه (ج ۱، ص ۶۱۳)، مذمت اختلاف در فتوا و حکم به سبب عدم اهلیت (ج ۱، ص ۶۲۰)، پیروی از اهل بیت که جامع همه علوم‌اند (ج ۱، ص ۶۲۴)، تبعیت از اوصیای پیامبران و وصی پیامبر اسلام (ج ۱، ص ۶۲۵)، توصیف بخشی از اصلاحاتی که در دوران

صاحب احتجاج	مخاطب	موضوع مطرح شده در احتجاج
		حکومتش انجام داده است (ج ۱، ص ۶۲۷)، گلایه از عدم تبعیت مردم از ایشان برای اصلاح بعضی بدعت‌ها (ج ۱، ص ۶۲۸)، توضیح علت اختلاف تفاسیر (ج ۱، ص ۶۲۹)
امام حسن مجتبی (ع)	معاویه و یاران نزدیک او	رد اتهام‌ها و توهین‌ها (ج ۲، ص ۱۷-۲۳)، اثبات فضایل امام علی (ع) و نفی اتهام قتل عثمان از ایشان (ج ۲، ص ۱۷-۴۴) و (ج ۲، ص ۵۳ و ۵۴)، اثبات امامت و ولایت و خلافت امام علی (ع) و اهل بیت (ع) (ج ۲، ص ۶۱-۶۵)، احقیقت خود برای امامت و اینکه صلح او به دستور خدا بود (ج ۲، ص ۶۶-۷۲)
امام حسین (ع)	عمر بن خطاب، معاویه	اثبات امامت (ج ۲، ص ۷۷-۸۰)، اثبات مناقب و فضایل حضرت علی (ع) و اولادش (ج ۲، ص ۸۰)، توبیخ قتل شیعیان (ج ۲، ص ۸۸-۹۷)
امام سجاد (ع)	مردم کوفه مردم شام محمد حنیفه	توبیخ نقض عهد (ج ۲، ص ۱۱۷-۱۱۹)، استتکار قتل حسین (ع) و سرزنش قاتلان (ج ۲، ص ۱۲۰-۱۳۵) و اینکه گناه قاتلان فرزندان پیامبر (ص) بزرگ‌تر از گناه مسخ‌شدگان بنی‌اسرائیل است (ج ۲، ص ۱۳۶)، تفسیر آیه قرآن و اینکه مقصود از «قری‌ظاهره» ائمه (ع) اند (ج ۲، ص ۱۳۹)، واعظ باید متعظ باشد (ج ۲، ص ۱۴۰)، اثبات امامت خود (ج ۲، ص ۱۴۷)، اثبات اینکه خدا دوستش دارد به این دلیل که دعایش را اجابت می‌کند (ج ۲، ص ۱۴۹)، امامت خود و امامت ائمه (ع) (ج ۲، ص ۱۵۱-۱۵۴)، گمراهی از دین محمد و ولایت علی (ع) مهم‌تر از قتل است (ج ۲، ص ۱۵۵)، اهمیت ایمان و ولایت (ج ۲، ص ۱۵۶)، اهمیت پیروی از رضای الهی نه صرف ترک بعضی لذات یا حتی داشتن عقل و... (ج ۲، ص ۱۵۹-۱۶۲)
امام باقر (ع)	مخالفان	خدا، خداشناسی (عجز عقل از درک حقیقت خداوند، ازلی بودن واجب‌الوجود) و جوب اطاعت امام، مردم در قیامت چه می‌خورند و چه می‌آشامند (ج ۲، ص ۱۷۳)، جواز حکمیت و رد بر خوارج در این مورد (ج ۲، ص ۱۷۴-۱۷۵)، حسنین (ع) فرزندان رسول خدا (ص) هستند (ج ۲، ص ۱۷۵-۱۷۶) پرسش‌هایی از بعضی آیات قرآن، خوراک مردم در قیامت، خطر تفسیر قرآن به غیر علم، تفسیر صحیح «قری‌ظاهره»، (ج ۲، ص ۱۷۷-۱۸۴)، درباره حضرت علی (ع) که پاک زیست نه بدعتگذار بود و نه... (ج ۲، ص ۱۸۵)، مظلومیت حضرت علی (ع) (ج ۲، ص ۱۹۲)

صاحب احتجاج	مخاطب	موضوع مطرح شده در احتجاج
امام صادق(ع)	مخالفان	خداشناسی و اثبات وجود خداوند، امامت، افضلیت حضرت علی(ع)، غیبت امام زمان(عج)، رد زید و زیدیه، رد قیاس و تفسیر به رأی قرآن و دین، انکار بر معتزله که دنبال امامی غیر از اهل بیت بودند، منع از تحاکم به طاغوت، تفسیر بعضی آیات قرآن، لزوم تمسک به قضاوت علی(ع)، اثبات صحت «إن الله لیغضب لغضب فاطمه»، لزوم وجود حجت در میان خلق و...
امام کاظم(ع)	پرسش‌کنندگان، ابوحنیفه، هارون الرشید	خداشناسی، اثبات اینکه عباس عموی پیامبر(ص) به دو جهت از پیامبر(ص) ارث نمی‌برد، ائمه(ع) فرزندان پیامبرند، احکام دین و نفی قیاس در دین، عدم سوء ظن و امکان رهایی از حق الناس با اهدای عبادات
امام رضا(ع)	عالمان ادیان و مذاهب	حدوث عالم، خداشناسی، توحید، اثبات حقانیت نبوت پیامبر اسلام(ص) و نفی منطق علم علمای ادیان و مذاهب، رد الوهیت عیسی(ع)، امامت و صفات امام، مذمت غالیان در امامت، امر شیعه به توره و تقیه بهنگام و ادب نیک، ملامت شیعه که مدعی شیعه‌اند اما با دستوره‌های امامان(ع) مخالفت عملی می‌کنند
امام جواد(ع)	عالمان مذاهب، بزرگ قاضی وقت (یحی بن اکثم)	احتجاج‌هایی درباره خداشناسی، صید محرم، نقد فضایل ابوبکر با استشهاده به قرآن، معرفی مهدی قائم(عج)
امام هادی(ع)	اهل اهواز، یحی بن اکثم و فقیهان، سادات بنی هاشم	توحید و خداشناسی، جبر و تفویض، منطبق بودن حدیث ثقلین با قرآن و لزوم عمل به آن، تعیین مقدار مال کثیر، اهمیت علم کلام و شرافت متکلم مدافع اهل بیت (ج، ۲، ص ۵۰۱)، شرافت علمای مدافع از دین و ایمان و عقاید
امام حسن عسکری(ع)	پرسش‌کنندگان، سعد بن عبدالله اشعری قمی و در پاسخ به شبهات یک عالم ناصبی	تفسیر بعضی آیات قرآن، بیان خیانتی از علمای یهود در حق پیامبر اسلام(ص)، عالمان و فقیهانی که نمی‌شود از آنان تقلید و پیروی کرد، عالمان و فقیهانی که می‌شود از آنان تقلید کرد، خطر علمای سوء بیشتر از خطر لشکر یزید برای امام حسین(ع) است، توصیف اشرار علما، تنزیه ملائکه، مدح و ثواب تقیه، شناخت و ادای حقوق اخوان و تواضع در برابر آنان که از نشانه‌های شیعه راستین است،

موضوع مطرح شده در احتجاج	مخاطب	صاحب احتجاج
<p>احترام بیشتر به پدر آن‌گاه که با پسرش باشد که از نشانه‌های شیعه حقیقی است</p>		
<p>امتناع از گرفتن اموال ناپاک و هدایای پلید، توضیح اینکه پیامبر(ص) طلاق همسران خود را در اختیار علی(ع) قرار داد، تأویل بعضی آیات، علت انتخابی نبودن امام(ع)، دفع شک در جانشینی امام عسکری(ع)، رد ابن‌غانم قزوینی در مورد جانشینی او از امام عسکری(ع) (ج ۲، ص ۵۳۵)، رد ادعای عمویش جعفر در مورد جانشینی او از امام عسکری(ع) (ج ۲، ص ۵۳۸)، فلسفه خمس، نیابت عامه رواة حدیث، نقش ائمه(ع) در خلق و رزق، چرا خداوند دشمنانش (قاتلان حسین) را بر ولی‌اش (امام حسین) مسلط کرد؟ رد مدعیان بابیت و نیابت از حضرت حجت(عج)، مسائل فقهی و احکام، عقوبت اکل مال امام(ع) و نپرداختن آن، زیارت آل یاسین و دعای بعد از آن، اطلاع حضرت از احوال شیعیان و عنایت به آنان، اعتصام به تقیه، عامل حفظ از فتنه در ایام غیبت، عامل تعجیل ظهور و عامل تأخیر ظهور</p>	<p>ابن‌غانم قزوینی، عمویش جعفر و.....</p>	<p>حضرت مهدی(عج)</p>